**تفسیر تربیتی آیات اعتقادی**

# تعریف تربیت:

تربیت در اصطلاح، با توجه به استعمالات و کاربردهای گوناگونی که دارد[[1]](#footnote-1)به نظر می رسد به یک تعریف جامعی بازگشت می کند که عبارت است از: فرایند ایجاد تغییر تدریجی در یکی از ساحت های وجودی انسان به واسطه انسانی دیگر به منظور شکوفایی استعدادها از طریق اقدامات ایجابی و سلبی.[[2]](#footnote-2)

# تعریف تربیت اعتقادی:

تربیت اعتقادی عبارت است از فرایند ایجاد تغییر تدریجی در ساحت باورها والتزامات قلبی متربّی از سوی مربّی به منظور شکل دهی نظام باورهای دینی، اقناع فکری و التزام درونی به دین از سوی متربی و در نهایت شکوفایی استعدادهای معنوی او از طریق اقدامات ایجابی و سلبی. بنابراین تربیت اعتقادی در مجموع تلاش­های مربی به منظور شکل‌دهی به نظام منسجم باورهای دینی متربی است.[[3]](#footnote-3)

# آیات تربیت اعتقادی:

این آیات در یک دسته بندی به دو قسم آیاتی که به نوعی وظایف مکلفات در تربیت اعتقادی را روشن می کند و آیاتی که صرفاً نکات تربیت اعتقادی دارند تقسیم می شود.

در یک دسته بندی دیگر به دو دسته آیاتی که تربیت به شکل عام را بیان می کنند که یکی از مصادیقش تربیت اعتقادی است و آیاتی که به نوعی تربیت اعتقادی را به شکل خاص بیان می کنند تقسیم می شوند.

## 1. آیه وقایه:

قرآن کریم در آیه ششم سوره تحریم می فرماید:**«یا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ»** ؛ «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، خود و خانواده خود را از آتشى كه هيزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگه داريد». درباره این آیه و میزان دلالت آن به تفصیل در آثار حضرت استاد اعرافی بحث شده است.[[4]](#footnote-4)

در این آیه شریفه، صیانت از خود و خانواده از آتش دوزخ شرعاً واجب شده است؛ باید گفت صیانت از خود و صیانت از اهل ماهیتاً متفاوتند؛ زیرا معنای صیانت خود از موجبات آتش، عبارتست از انجام واجبات الهی و ترک محرمات؛ اما صیانت اهل خویش از موجبات آتش، به معنای این است که باید زمینه انجام واجبات و ترک محرمات را برای اهل خویش فراهم نمود و برای اینکه اهل نیز به فعل واجبات و ترک محرمات همت گمارند، باید دست به یک سلسله اقدامات تربیتی زد. این اقدامات، می­تواند در حوزه تغییر شناخت­ها و آگاهی­ها باشد و یا در حوزه تغییر امیال و گرایش­ها و یا رفتارها.

 بنابراین تربیت اعتقادی که با آموزش و آگاهی­بخشی نسبت به باورها و نیز ایجاد میل، کشش و عقد قلبی و تعمیق دانسته­ها و باورها همراه است، مشمول این اطلاق بوده و هرگونه آگاهی بخشی و تعمیق باورها که زمینه ساز انجام واجبات و ترک محرمات باشد به مقتضای آیه شریفه واجب است.

مخاطب حکم به وجوب تربیت اعتقادی در این آیه نیز، هر کسی است که اهل و خانواده­ای دارد که چنین کسی نسبت به اعضای خانواده خویش مسئول است بنابراین می­توان گفت از این آیه وظیفه مندی عموم افراد جامعه و حتی کسانی که ازدواج نکرده اند ولی خانواده ای دارند استفاده می شود. با توجه به دایره وسیعی که مخاطبین این آیه دارند می توان گفت طیف وسیعی از جامعه مومنین را شامل می شود که طبق آیه شریفه تربیت اعتقادی بر عهده این گروه واجب شده است.

## 2. آیه مرابطه:

قرآن کریم در آخرین آیه سوره آل عمران می فرماید: **«یا ایّها الذّین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا واتّقوا الله لعلّکم تفلحون»[[5]](#footnote-5)** اى کسانى که ایمان آورده اید! صبر پیشه کنید و دیگران را نیز به صبر دعوت کنید و از مرزهاى خود، مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید. در این آیه سه دستور مهم داده شده که یکی از آنها که شاهد بر استدلال ما بر تربیت اعتقادی است عبارت «رابطوا» است.

واژه «رابطوا» از ریشه «ربط» مشتق شده و در باب مفاعله استعمال شده است که نوعاً به معنای ربط طرفینی است. «ربط» در لغت به معنای محکم کردن و ثابت کردن استعمال شده است[[6]](#footnote-6) که لازمه آن مراقبت و مواظبت از آن چیز است و به همین معنای مواظبت و مراقبت هم در کتب لغت آمده است [[7]](#footnote-7)به همین جهت است که به مرزداری از مرزهای نظامی در برابر دشمن، «مرابطه» گفته می شود زیرا لازمه معنای مرزداری، محکم نگاه داشتن مرزها و مراقبت و مواظبت دائمی مرزها در برابر هجوم دشمن است.[[8]](#footnote-8)

در روایات اهل بیت علیهم السلام، «رابطوا» به معنای محافظت از نماز، اتصال و همبستگی مومنین با یکدیگر و اتصال امت اسلامی با امام معصوم علیه السلام[[9]](#footnote-9) آمده است.

با توجه به این که در این آیه شریفه از صیغه امر استفاده شده که ظهور در وجوب دارد می توان گفت امر به مرابطه، در این آیه مطلق بوده و شامل انواع همبستگی ها و ارتباطات وثیق اجتماعی بین مومنین که همراه با مراقبت و مواظبت از یکدیگر باشد می شود و همچنین شامل هر گونه پاسداری از مرزهای اجتماعی و سیاسی و جغرافیایی و دینی می­شود که یکی از مصادیق آن حفاظت از مرزهای اعتقادی و پاسداری از انحرافات اعتقادی جامعه است.

به عبارت دیگر لازمه مرابطه مومنین با یکدیگر در یک جامعه دینی، مراقبت و حساسیت نسبت به هرگونه انحراف در جامعه دینی است که یکی از آنها انحرافات اعتقادی است که در این آیه شریفه دستور به مواظبت و مراقبت از آن داده شده است.

## 3. آیه مکنت:

**« الَّذِینَ إِنْ مَکنَّاهُمْ فِی الأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوُا الزَّکاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکرِ وَللهِ عاقِبَةُ الأُمُورِ»[[10]](#footnote-10)**

(مومنینی که به آنان اجازه جهاد داده شده) کسانی (هستند) که هر گاه آن ها را در زمین مکنت و قدرت بدهیم، نماز را اقامه کرده و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت تمام کارها از آن خداست.

 ظاهر آیه شریفه این است که مقصود از مکنّاهم، «قدرت خاص» باشد نه قدرتی که شرط عامه تکلیف و نه قدرتی که شرط وجوب امر به معروف است. این قدرت می تواند قدرت اجتماعی باشد مانند قدرت نهاد روحانیت پیش از انقلاب اسلامی ایران که تاثیر گذار در اجتماع و دارای قدرت اجتماعی و نه سیاسی بود. همچنین می تواند بیانگر قدرت سیاسی باشد که از جایگاه حاکمیت و اختیارات حاکم نشأت گرفته است. همچنین می تواند قدرت مالی باشد.

از این آیه شریفه فهمیده می شود که هر کس قدرتی دارد که به واسطه آن می تواند تاثیر گذار اجتماعی باشد وظیفه دارد از این قدرتش از باب امر به معروف به تربیت دینی جامعه که یکی از مصادیق بارز آن تربیت اعتقادی است همت گمارد.

## 4. آیات بیانگر سیره انبیاء:

### الف) وصیت حضرت ابراهیم علیه السلام:

**« وَ وَصَّى بِها إِبْراهِيمُ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبُ يا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى‏ لَكُمُ الدِّينَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[11]](#footnote-11)**

قرآن کریم در این آیه شریفه حکایت از سیره عملی حضرت ابراهیم و یعقوب نسبت به فرزندانشان در راستای تربیت اعتقادی ایشان می­کند و می­فرماید یکی از توصیه های حضرت ابراهیم و یعقوب به فرزندانشان این بوده که با اعتقاد به خداوند و تسلیم امر او بودن از دنیا بروند یعنی تا آخرین لحظه حیات، اعتقاد به خداوند و روحیه تسلیم امر او بودن را در خود حفظ کنند.

از این آیه فهمیده می شود که اهتمام به تربیت اعتقادی فرزندان و این که مسیر زندگی را با ایمان و اعتقاد صحیح بپیمایند و تا آخر عمر با این اعتقاد صحیح زندگی کنند از وظایف مهم والدین و مربیان تربیتی است و این مسأله به قدری مهم است که به عنوان مهمترین توصیه انبیاء، خصوصا حضرت ابراهیم علیه السلام (که از مهمترین انبیاء الهی بوده و نسل اکثر انبیاء اولوالعزم از ایشان است) در قرآن ذکر شده است.

### ب) وصیت حضرت لقمان به فرزندش:

قرآن کریم در سوره لقمان یکی از توصیه های حضرت لقمان به فرزندش را دوری جستن از شرک می داند که به نوعی از سیره ایشان نسبت به تربیت اعتقادی حکایت دارد:

**«وَ إِذْ قالَ لُقْمانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ‏»[[12]](#footnote-12)**

هرچند نبی بودن حضرت لقمان محل بحث است اما ذکر سیره تربیتی ایشان در قرآن حاکی از اهمیت موضوع تربیت اعتقادی دارد و این که والدین و مربیان تربیتی وظیفه دارند در تربیت اعتقادی فرزندان و دور ماندن ایشان از شرک و انحرافات اعتقادی همت گمارند.

### ج) سیره عملی حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با مشرکان

**فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ[[13]](#footnote-13)**

این آیات شریفه حکایت از سیره عملی حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با مشرکان و بیدار کردن وجدان و فطرت آنها به سوی توحید و به نوعی سیره عملی ایشان در راستای تربیت اعتقادی جامعه زمان خویش است.

در این آیات همانگونه که در تفاسیر بیان شده است حضرت ابراهیم علیه السلام هیچگاه ذره ای تردید در وحدانیت خداوند نداشتند و این طرز بیان به نوعی جدال احسن با مشرکان و در جهت بیدار کردن وجدان خفته آنها بوده است.

این آیات ضمن اینکه تلاش حضرت ابراهیم در جهت تربیت اعتقادی مردم را به تصویر کشیده و تایید می کند و به نوعی به ما می آموزد که باید در جهت تربیت اعتقادی جامعه تلاش کرد، یکی از روش های تربیت اعتقادی که روش جدال احسن باشد را بیان می کند.

1. . ر.ک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج1، ص122-128 [↑](#footnote-ref-1)
2. . ر.ک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج1، ص141 [↑](#footnote-ref-2)
3. . ر.ک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج25(تربیت خانوادگی)، ص194 [↑](#footnote-ref-3)
4. . ر.ک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج25: تربیت خانوادگی، ص72-82 [↑](#footnote-ref-4)
5. . آل عمران، 200 [↑](#footnote-ref-5)
6. . «الراء و الباء و الطاء أصلٌ واحدٌ يدلُّ على شدٍّ و ثَبات من ذلك‏ رَبَطت‏ الشى‏ء أربِطه‏ ربْطاً؛ و الذى يشدُّ به‏ رِباط و من الباب‏ الرِّباط: ملازمة ثَغْرِ العدوّ، كأنّهم قد رُبِطوا هناك فثَبَتوا به و لازَموه» (‏معجم مقاییس اللغة، ج2، ص478) ؛ «أنّ الأصل الواحد في هذه المادّة: هو التوثيق و الشدّ متعلّقا بشي‏ء أو في موضوع ليثبت على تلك الحال...فظهر أنّ مفاهيم- الثبوت و الوثوق و الحزم و اللزوم: من آثار ذلك الأصل و من لوازمه...المرابطة تحقّق الارتباط بينهم، و يعبّر عنه- بالفارسيّة بكلمة- وابسته شدن و بستگى پيدا كردن- و هذه المقدّمات الثلث و تحقّقها لازمة في كلّ مسير و في الوصول الى كلّ مطلوب ... و المُرَابَطَةُ لها مراتب: أوّلها تحقّق الارتباط بين الأفراد و من يهديهم و يرشدهم، أى فيما بين الامّة و الامام، ليهتدوا بهديه و يسيروا بإرشاده و يعملوا على ما يأمر و ينهى. و ثانيها- تحقّق المرابطة بين الرعيّة و الامّة ليكونوا رحماء فيما بينهم و يستقرّوا في صفّ واحد و يدا واحدا على مخالفيهم و على كلمة واحدة و ثالثها- تحقّق الربط من جهة التجهيزات و القوى اللازمة للدفاع عن أنفسهم و لحفظ منافعهم. فالمرابطة شاملة لجميع هذه المراتب.» (التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج‌4، ص29‌) [↑](#footnote-ref-6)
7. . «الرِّباطُ و المُرابَطةُ: مُلازمةُ ثَغْرِ العَدُوِّ، و أَصله أَن يَرْبِطَ كلُّ واحد من الفَريقين خيلَه، ثم صار لزومُ الثَّغْرِ رِباطاً، و ربما سميت الخيلُ أَنفُسها رِباطاً و الرِّباطُ المُواظَبةُ على الأَمر. قال الفارسي: هو ثانٍ من لزومِ الثغر، و لزومُ الثغْر ثانٍ من‏ رِباط الخيل‏» (لسان العرب، ج7، ص302) [↑](#footnote-ref-7)
8. . «و من الباب‏ الرِّباط: ملازمة ثَغْرِ العدوّ، كأنّهم قد رُبِطوا هناك فثَبَتوا به و لازَموه» (معجم مقاییس اللغة، ج2، ص478) [↑](#footnote-ref-8)
9. . برای نمونه: «قال علیه السلام: اصبروا على أداء الفرائض‏ و صابروا عدوکم‏ و رابطوا إمامکم المنتظر» محمد بن ابراهیم‏، الغیبة(للنعمانی)، محقق، مصحّح، غفارى، على اکبر، ص 27 و «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ‏ اصْبِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ‏ وَ صابِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ‏ وَ رابِطُوا عَلَى الْأَئِمَّةِ علیهم السلام»؛ (تفسير القمي ؛ ج‏1 ؛ ص129)؛ « قال علیه السلام اصبروا على الفرائض و صابروا على المصائب و رابطوا على الأئمة(علیه السلام)»، الکافی، ج ‏2، ص 81. [↑](#footnote-ref-9)
10. . حج، آیه 41 [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره بقره، آیه 132 [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره لقمان، آیه 13 [↑](#footnote-ref-12)
13. . انعام ، آیات 76-78 [↑](#footnote-ref-13)